

جزوه قانون اجرای احکام مدنی

بسمه تعالی

چه موقع احکام دادگاهها اجرا میشود؟

1- قطعی شده

2- یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که **قانون معین می کند** صادر شده باشد

3-

ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده
و یا قائم مقام قانونی او کتبا این
تقاضا را از دادگاه بنماید.

- به محکوم علیه

- یا وکیل

- یا قائم مقام قانونی او

* حکمی که **موضوع آن معین نیست** قابل اجراء نمی باشد.

اجرای حکم **با صدور اجرائیه** به عمل می آید

مگر اینکه **در قانون** به ترتیب دیگری مقرر شده باشد

در چه مواردی اجرائیه صادر نمی شود؟

1- در مواردی که دادگاه **جنبه اعلامی داشته**

و مستلزم انجام عملی **از طرف محکوم علیه نیست**

از قبیل : اعلام اصالت یا بطلان سند

2- در مواردی که

سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت

طرف دعوی نبوده

ولی اجرای حکم باید ← به وسیله آن‌ها صورت گیرد

دادگاه نخستین است

صدور اجراییه با :

محتویات اجراییه:

1- در اجراییه نام و نام خانوادگی

2- **و محل اقامت** ← محکوم‌له و محکوم‌علیه

3- **و مشخصات حکم**

4- **و موضوع آن (حکم)**

5- **و اینکه پرداخت حق اجرا به عهده** ← **محکوم‌علیه می‌باشد** نوشته شده

6- **و به امضاء:** ← رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده

7- **به مهر دادگاه ممهور**

*** و برای ابلاغ فرستاده می‌شود**

برگ‌های اجراییه:

- 1- به تعداد **محکوم علیه** ← **به علاوه دو نسخه** صادر می‌شود
- 2- یک نسخه از آن ← **در پرونده دعوی**
- 3- و نسخه دیگر **پس از ابلاغ به محکوم علیه** ← در پرونده اجرایی بایگانی می‌گردد
- 4- و یک نسخه نیز: ← در موقع ابلاغ ← به محکوم علیه داده می‌شود.

ابلاغ اجراییه :

-طبق مقررات آئین دادرسی مدنی به عمل می‌آید

-و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه

در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجراییه ← **سابقه ابلاغ** محسوب است.

در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی

طبق ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی به عمل آمده

و **تا قبل از صدور اجراییه** محکوم علیه

محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد



مفاد اجراییه ← **یک نوبت**

به ترتیب مقرر در مادتين ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون **آگهی می‌گردد**

(در یکی از روزنامه های محلی در یک نوبت -و فاصله بین آن بیش از ۱۰ ماه و کمتر از ۱۰ روز نباشد)

و ده روز پس از آن به موقع اجرا گذاشته می شود.

در این صورت برای **عملیات اجرایی**

ابلاغ یا اخطار دیگری ← به محکوم علیه لازم نیست

مگر اینکه ← محکوم علیه محل اقامت خود را

کتباً به قسمت اجرا اطلاع دهد.

مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود.

اگر محکوم علیه **قبل از ابلاغ** اجرائیه:

- ولی، قیم، امین، وصی، ورثه
یا مدیر ترکه او ابلاغ می گردد

اجرائیه حسب مورد به:

1- محجور

2- یا فوت شود

و هرگاه محکوم علیه **بعد از ابلاغ** اجرائیه:

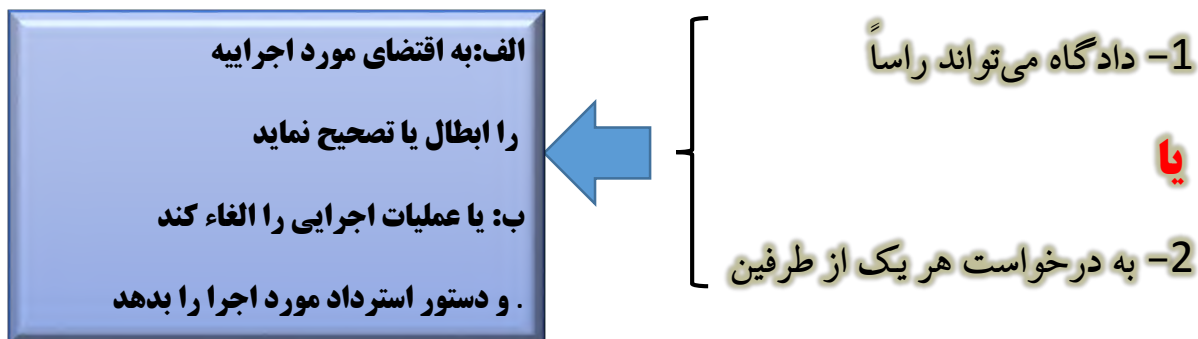
به وسیله ابلاغ اخطاریه
به آنها اطلاع داده خواهد شد.

مفاد اجرائیه و عملیات انجام

1- محجور

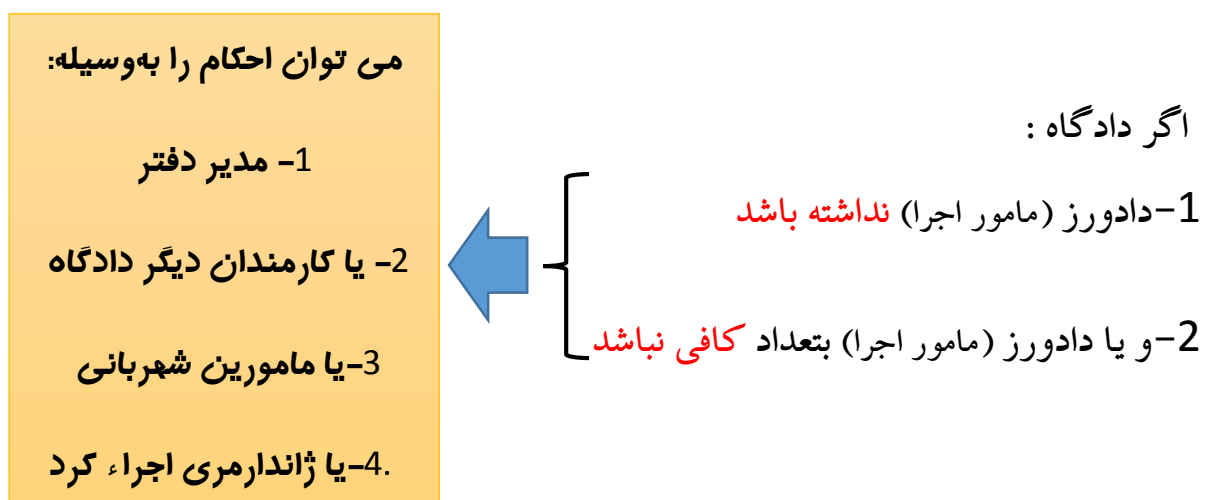
2- فوت شود

در صورت وجود اشتباه در صدور اجراییه:



دادورزها (مامورین اجرا)

* مدیر اجرا تحت ریاست و مسئولیت دادگاه انجام وظیفه می کند



در صورتی که حین اجرای حکم نسبت به دادورزها (مامورین اجرا)

- مقاومت یا سوء رفتاری شود

- می توانند حسب مورد از مامورین شهربانی، ژاندارمری و یا دژبانی

- برای اجرای حکم کمک بخواهند،

- مامورین مزبور ملّف به انجام آن می باشند.

هرگاه مامورین مذکور

درخواست دادورز (مامور اجرا) را انجام ندهند

-دادورز (مامور اجرا) **صورتمجلسی** در این خصوص تنظیم می کند

-**تا توسط مدیر اجرا** برای تعقیب به مرجع صلاحیت دار فرستاده شود .

هرگاه نسبت به دادورز (مامور اجرا)

- حین انجام وظیفه :

-**توهین یا مقاومت شود**

-مامور مزبور صورتمجلسی تنظیم نموده

-به امضاء شهود و مامورین انتظامی (در صورتی که حضور داشته باشند) می رساند

کسانی که **مانع** دادورز (مامور اجرا) از انجام وظیفه شوند

علاوه بر ← مجازات مقرر در قوانین کیفری

مسئول خسارات ناشی از عمل خود نیز می باشند.

مواردی که مامورین اجرا نمیتوانند قبول سمت نمایند:

۱ -

امر اجرا راجع به ← **همسر آنها** باشد.

۲ -

امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مامور اجرا)

با آنان **قربت نسبی یا سببی** ← **تا درجه سوم دارد.**

۳-

*** مدیر یا دادورز (مامور اجرا) :**

قیم یا وصی ← یکی از طرفین

یا کنفیل ← امور او (یکی از طرفین) باشد.

۴-

- وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که :

بین آنان ← و مدیر یا دادورز (مامور اجرا)

یا همسر آنان ← دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.

*** در هر يك از موارد مذکور در این ماده :**

- اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه

- به مدیر یا دادورز (مامور اجرا) دیگری محول می شود

- و اگر در آن حوزه ← مدیر یا مامور دیگری نباشد

- اجرای حکم به وسیله :

1- مدیر دفتر

2- یا کارمند دیگر دادگاه

3- یا حسب مورد ماموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد

ترتیب اجرا

اجرائیه به وسیله:

- قسمت اجرا دادگاهی که  آن را صادر کرده  اجرا میشود

هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید:

در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید

- **مدیر اجرا**  انجام عملیات مزبور را

- به قسمت اجرا دادگاه آن حوزه محول می کند

مدیر اجرا برای اجرای حکم:

- پرونده ای تشکیل می دهد

- تا اجرائیه و تقاضاها و کلیه برگه های مربوط،  به ترتیب در آن بایگانی شود

طرفین می توانند پرونده اجرایی را ملاحظه

و از محتویات آن  رونوشت یا فتوکپی بگیرند

هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی اخذ می شود .

پس از ابلاغ اجرائیه:

- **مدیر اجراء**

* نام داورز (مامور اجرا) را در ذیل اجرائیه نوشته

* و عملیات اجرایی را به عهده او محول می کند .

در چه مواردی دادورز میتواند بعد از شروع به اجرای حکم آنرا تعطیل یا توقیف یا قطع نماید؟

- 1- به موجب قراردادگاهی که دستور اجرای حکم را داده
- 2- یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد
- 3- یا با ابراز رسید محکوم له دائر به وصول محکوم به
- 4- یا رضایت کتبی او (محکوم له) در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.

هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید

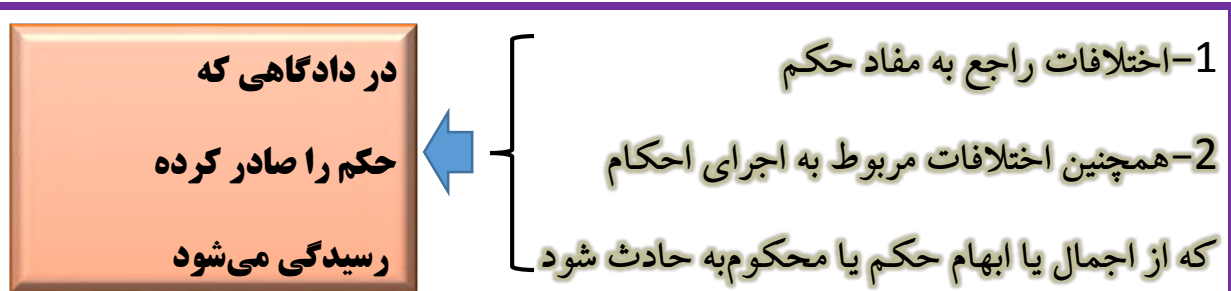
دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می شود

رفع اشکال می نماید.

اختلاف ناشی از اجرای احکام

راجع به دادگاهی است که

حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود.



رای دآوری که موضوع آن معین نیست ← قابل اجراء نمی باشد .



در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم :

اولا:

هر یک از طرفین می تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد.

دوما:

دادگاه در وقت فوق العاده رسیدگی و رفع اختلاف می کند

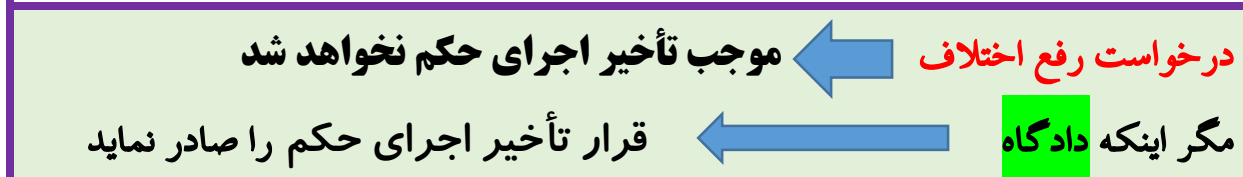
سوما:

و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتری باشد :

1- رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده

2- طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می کند

3- ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد.



هرگاه محکوم علیه فوت یا محجور شود:

اولا:

عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی

ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیرترکه متوقف می گردد

دوما:

و قسمت اجرا به  محکوم له  **اخطار می کند**

- تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید

سوما:

- و اگر مالی توقیف نشده باشد

- دادورز (مامور اجرا) می تواند  **بدرخواست محکوم له**

معادل محکوم به  **از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.**

1- حساب مواعد مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی است

2- و مدتی که عملیات اجرایی توقیف می شود  **به حساب نخواهد آمد.**

هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده :

اولا: و در جریان اجراء  **ورشکسته شود**

دوما: مراتب از **طرف مدیر اجرا**  **به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می شود**

سوما: تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.

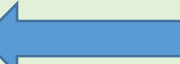
همین که اجراییه به محکوم علیه ابلاغ شد:

1-

محکوم علیه مکلف است

- ظرف **ده روز** مفاد آن را  به موقع اجرا بگذارد

2-

الف: یا به ترتیبی برای  **پرداخت محکوم به بدهد**

ب- یا مالی معرفی کند که:

از آن میسر باشد

- اجرای حکم
- و استیفاء محکوم به 

3-

و در صورتی که خود را قادر به  **اجرای مفاد اجراییه نداند**

- باید ظرف مهلت مزبور (10 روز) جامع دارائی خود را

- به قسمت اجرا تسلیم کند

4-

و اگر مالی ندارد  **صریحاً اعلام نماید**

5-

هرگاه ظرف ← **سه سال**

- بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که

- محکوم علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده

الف- **لیکن برای فرار از آن** اموال خود را معرفی نکرده

ب- یا صورت خلاف واقع از دارائی خود داده

- به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده باشد

به حبس جنبه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.

تبصره -

شخص ثالث نیز می‌تواند ← **به جای محکوم علیه**

برای استیفای محکوم به ← **مالی معرفی کند**

گام اول:

- **بدهکاری** که در مدت مذکور

- قادر به پرداخت بدهی خود نبوده

- مکلف است هر موقع که **به تأدیه**

- تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد آن را بپردازد

گام دوم:

- و هر بدهکاری که ظرف **سه سال** ← از تاریخ انقضای مهلت مقرر

- **قادر به** پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده

الف- **و تا یک ماه** ← از تاریخ امکان پرداخت ← **آن را نپردازد**

ب- و یا مالی به مسئول اجرا معرفی نکند

- به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ -

گام اول:

الف: محکوم له می تواند **بعد از ابلاغ اجراییه**

ب- و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل

- اموال محکوم علیه را برای تأمین محکوم به

- به قسمت اجرا معرفی کند

- و قسمت اجرا مکلف به قبول آنست.

گام دوم:

- **پس از انقضای مهلت مزبور نیز**

- در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نکرده باشد

- که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد

- محکوم‌له می‌تواند هر وقت مالی از محکوم‌علیه به دست آید

- استیفای محکوم‌به را از آن مال بخواهد.

تبصره ۲ -

- تعقیب کیفری جرائم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵

- منوط به شکایت شاکی خصوصی است

- و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

در مواردی که مفاد اجراییه :

- از طریق انتشار آگهی ← به محکوم‌علیه ابلاغ می‌شود

- در صورتی که ← به اموال او دسترسی باشد

- به تقاضای محکوم‌له ← معادل محکوم‌به

- از اموال محکوم‌علیه ← توقیف می‌شود.

محکوم‌له می‌تواند :

1- طریق اجرای حکم را بدادورز (مامور اجرا) ارائه دهد

2- و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد

ولی نمی‌تواند: در اموری که از وظایف دادورز (مامور اجرا) است دخالت نماید.

دادورز (مامور اجرا) محکوم به را:»

1- به محکوم له تسلیم نموده برگ رسید می گیرد

2- و هرگاه محکوم به :

الف: نباید به مشارالیه داده شود

ب: یا دسترسی به محکوم له نباشد

مراتب را جهت صدور دستور مقتضی
به دادگاهی که اجرائیه صادر کرده است
اعلام می کند



هرگاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده:

گام اول:

- بر اثر: 1- فسخ 2- یا نقض 3- یا اعاده دادرسی

- به موجب حکم نهائی بلااثر شود

- عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم

- به حالت قبل از اجرا برمی گردد

گام دوم:

1- و در صورتی که محکوم به عین معین بوده

2- و استرداد آن ممکن نباشد

- دادورز (مامور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می نماید

گام سوم:

- اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه

- به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است

- بدون صدور اجرائیه به عمل می آید.

محکوم‌له و محکوم‌علیه می‌تواند:

- برای اجرای حکم ← **قراری گذارده**

- و مراتب را به **قسمت اجرا** اعلام دارند.

هرگاه محکوم‌علیه طوعاً ← **حکم دادگاه را اجرا نماید**

-دادورز (مامور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم می‌کند.

1- هرگاه **محکوم‌به :**

- **عین معین منقول یا غیر منقول بوده**

2- و تسلیم آن به محکوم‌له ممکن باشد

دادورز (مامور اجرا) عین آن را گرفته
و به **محکوم‌له** می‌دهد

در مواردی که حکم **خلع ید** علیه متصرف ملک مشاع



بنفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد



از تمام ملک خلع ید می‌شود،

ولی تصرف **محکوم‌له** در ملک خلع ید شده

مشمول مقررات املاک مشاعی است

اگر عین محکوم به :

الف:

- در تصرف کسی ← غیر از محکوم علیه باشد

- این امر مانع ← اقدامات اجرایی نیست

ب:

1- مگر اینکه: متصرف ← مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده

2- و دلائلی هم ارائه نماید

ج:

- در این صورت دادورز (مامور اجرا) ← یک هفته به او مهلت می دهد

- تا به دادگاه صلاحیت دار مراجعه کند

د:

- و در صورتی که ظرف پانزده روز ← از تاریخ مهلت مذکور (یک هفته)

- قراری دائر بتأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد

- عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

هرگاه در محلی که ← باید خلع ید شود

الف- اموالی از ← محکوم علیه یا شخص دیگری باشد

ب- و صاحب مال از بردن آن خودداری کند

ج- و یا به او دسترسی نباشد

- دادورز (مامور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور را تهیه و به ترتیب زیر عمل می کند:

-۱

- اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد :

- به صندوق دادگستری یا یکی از بانک‌ها سپرده می‌شود.

-۲

الف- اموال ضایع شدنی

ب- و اشیائی که بهای آن‌ها متناسب با

هزینه نگاه‌داری نباشد به فروش رسیده

- و حاصل فروش

- پس از کسر هزینه‌های مربوط

- به صندوق دادگستری سپرده می‌شود

- تا به صاحب آن مسترد گردد.

-۳

- در مورد سایر اموال دادورز (مامور اجرا) آن‌ها را :

الف- در همان محل یا محل مناسب دیگری محفوظ نگاه‌داشته

ب- و یا به حافظ سپرده و رسید دریافت می‌دارد.

اگر **محکوم‌به** عین معین بوده :

1- و تلف شده

2- و یا به آن دسترسی نباشد

- قیمت آن

باتراضی طرفین

و در صورت عدم تراضی به

وسیله دادگاه تعیین

- و طبق مقررات این قانون

- از محکوم‌علیه وصول می‌شود

و هرگاه محکوم‌به قابل تقویم نباشد

محکوم‌له می‌تواند دعوی خسارت اقامه نماید

هرگاه محکوم به انجام عمل معینی باشد :

گام اول:

و محکوم علیه از انجام آن ← امتناع ورزد
و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد
محکوم له می تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا)

آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد
و هزینه آن را مطالبه کند

گام دوم:

و یا بدون انجام عمل :

هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا

از محکوم علیه مطالبه نماید.

گام سوم:

در هر یک از موارد مذکور:

1- دادگاه با تحقیقات لازم

2- و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس

میزان هزینه و معین
می نماید

گام چهارم:

وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه

به به ترتیبی است که ← برای وصول محکوم به نقدی مقرر است.

تبصره -

در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آئین دادرسی مدنی انجام خواهد شد

در صورتی که: در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده

و تکلیف زرع: در حکم معین نشده باشد

به ترتیب زیر رفتار می شود:

گام اول:

- اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد :

- محکوم علیه باید فوراً ← **محصول را بردارد**

- والا دادورز (مامور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده

- و هزینه های مربوط را تا زمان :

- تحویل محصول به محکوم علیه ← **از او وصول می نماید.**

گام دوم:

هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد :

- اعم از اینکه بذر روئیده یا نروئیده باشد

- **محلوم له مخیر است که :**

1- بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند

2- یا ملک را تا زمان رسیدن محصول

- به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد و اجرت المثل بگیرد.

**** تشفیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه فواید بود**
-و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

توقیف اموال

مبحث اول - مقررات عمومی

در صورتی که **محکوم علیه** :

محکوم له می تواند:

درخواست کند که

از اموال محکوم علیه

معادل محکوم به

توقیف گردد

1- در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است

-مدلول حکم را طوعاً **اجرا ننماید**

2- یا قراری با محکوم له برای اجرای حکم ندهد

3- و مالی هم معرفی نکند

4- یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد

دادورز (مامور اجرا) باید:

اولاً:

- پس از درخواست توقیف

- **بدون تأخیر** اقدام بتوقیف اموال محکوم علیه نماید

دوماً:

- **و اگر اموال** در حوزه دادگاه دیگری باشد

- توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

اولا:

از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می شود که:

1- معادل محکوم به

2- و هزینه های اجرایی باشد

دوما:

-ولی هرگاه مال معرفی شده:

1- ارزش بیشتری داشته

2- و قابل تجزیه نباشد

تمام آن توقیف خواهد شد

سوما:

در این صورت اگر مال غیر منقول باشد :

-مقدار مشاعی از آن :

1- که معادل محکوم به

2- و هزینه های اجرایی باشد

توقیف می گردد.

اولا:

اگر مالی از محکوم علیه:

-تأمین و توقیف شده باشد

-استیفاء محکوم به ← از همان مال به عمل می آید

دوما:

- مگر آنکه مال تأمین شده:

- **تکافوی محکوم به را نکند**

- که در این صورت ← **معادل بقیه محکوم به**

- از سایر اموال محکوم علیه توقیف می گردد.

هرگاه مالی از محکوم علیه

در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد:

اول:

- **محکوم علیه می تواند :**

- **یکبار** ← تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش

- درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است

- به مال دیگری بنماید

دوما:

- **مشروط بر اینکه** مالی که پیشنهاد می شود

- از حیث:

1- **قیمت**

2- **و سهولت فروش**

- از مالی که قبلاً توقیف شده است **کمتر نباشد.**

سوما:

- محکوم له نیز می تواند:

- **یک بار** تا قبل از شروع به عملیات راجع بفروش

- درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید.

چهارما:

- در صورتی که محکوم علیه یا محکوم له

- به تصمیم قسمت اجرا **معارض باشند** :

- می توانند **به دادگاه صادرکننده اجراییه** مراجعه نمایند.

- تصمیم دادگاه در این مورد **قطعی است**.

اولا:

- اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده :

- 1- **وثیقه دینی بوده**
2- یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد

- قسمت اجراء  به درخواست **محکوم له:**

- **توقیف مازاد** ارزش مال مزبور را

- حسب مورد:

1- به اداره ثبت

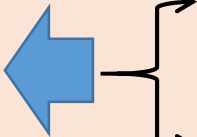
اطلاع می دهد

2-  **یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است**

دوما:

- در این صورت اگر مال دیگری
- **بتقاضای محکوم له** توقیف شود
- که تکافوی طلب او را بنماید
- از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد.

سوما:

- 1- در صورت فک وثیقه
 - 2- یا رفع توقیف اصل مال
- 
- توقیف مازاد خود به خود
به توقیف اصل مال تبدیل می شود.

چهارما:

- در این مورد هرگاه **ممتکون علیه**
- به عنوان عدم تناسب بهای مال  با میزان بدهی معترض باشد
- به هزینه او مال ارزیابی شده
- از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد

- 1- در مورد مالی که وثیقه بوده
2- یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد

محکوم‌له می‌تواند :

- 1- تمام دیون و خسارات قانونی را
2- با حقوق دولت

-حسب مورد در صندوق ثبت
یا دادگستری تودیع نموده



الف- تقاضای توقیف مال
ب- و استیفای حقوق خود را از آن بنماید



- در این صورت وثیقه
- و توقیف‌های سابق فک
- و مال بابت طلب او
- و مجموع وجوه تودیع شده
بلافاصله توقیف می‌شود.

هر گونه نقل و انتقال اعم از :

- 1- قطعی
2- و شرطی
3- و رهنی



نسبت به مال توقیف شده باطل و بلااثر است.

هر گونه:

1- قرارداد

2- یا تعهدی

که نسبت به مال توقیف شده

د از توقیف

منعقد شود

-بضرر محکومله

- نافذ نخواهد بود

- مگر اینکه

. محکومله کتباً رضایت دهد

در صورتی که محکوم علیه، :

1- محکوم به

2- و خسارات قانونی

را تأدیه نماید

- قسمت اجرا از مال توقیف شده

. رفع توقیف خواهد کرد

محکوم علیه می تواند با نظارت دادورز (مامور اجرا):

نخست:

- مال توقیف شده را بفروشد

- مشروط بر اینکه حاصل فروش به تنهائی برای پرداخت:

1- محکوم به

2- و هزینه های اجرایی

کافی باشد

دوم:

- و اگر مال در مقابل  **قسمتی از محکوم به توقیف شده**
- **ماصل فروش** نباید از مبلغی که
- در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد.

عدم حضور :

- 1- محکوم له
 - 2- و محکوم علیه
- 
- مانع از توقیف مال نمی شود**
- ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد

مبحث دوم - در توقیف اموال منقول

مال منقولی که:

- در تصرف  کسی غیر از **محکوم علیه** باشد

و متصرف نسبت به آن :

- 1- ادعای مالکیت کند
 - 2- یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید
- 
- به عنوان مال محکوم علیه
- توقیف نخواهد شد.

- در صورتی که :

- خلاف ادعای **متصرف** ثابت شود

- مسئول جبران خسارت محکوم له خواهد بود.

اموال منقولی که :

- دلائل و قرائن کافی
- بر احراز از مالکیت او
- در دست باشد

در صورتی توقیف
می شود که

- 1-خارج از محل سکونت
- 2- یا محل کار محکوم علیه باشد

از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین:

- آنچه معمولاً و عادتاً

-مورد استفاده اختصاصی زن باشد ← متعلق به زن

-و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد ← متعلق به شوهر

-و بقیه از نظر مقررات این قانون ← مشترک بین آنان محسوب می شود

- مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

اگر مال معرفی شده در جایی باشد که:

- در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند :

-دادورز (مامور اجرا) با حضور:

- مامور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل

-اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول می دارد

- و در مورد باز کردن محلی که کسی در آن نیست :

-حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد.

اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی‌شود:

۱-

- لباس و اشیاء و اسبابی که

- برای **رفع موانع ضروری**

الف: محکوم علیه

ب: و خانواده او لازم است.

۲-

- **آذوقه بقدر احتیاج :**

الف: یک ماهه محکوم علیه

ب- و اشخاص واجب النفقه او.

۳-

- وسائل و ابزار کار ساده :

- **کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان.**

۴ -

- اموال و اشیائی که به موجب قوانین مخصوص

- غیر قابل توقیف می‌باشند.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه‌هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آن‌ها **بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی‌شود.**

الف: **اموال ضایع شدنی** ← بلافاصله (به فروش میرسند)

فوراً ارزیابی
و با تصویب دادگاه
بدون رعایت تشریفات راجع بتوقیف و مزایده
به فروش می‌رسد

ب: و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم

1- هزینه نامتناسب
2- یا کسر فاحش قیمت است

لیکن قبل از فروش باید:

- صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

مبحث سوم - صورت برداری اموال منقول

- دادورز (مامور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول،

- صورتی که مشتمل بر **وصف کامل اموال از قبیل :**

نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که

- با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید؛

1- در مورد طلا و نقره ← **عیار آن‌ها (هرگاه عیار آن‌ها معین باشد)**

2- و در جواهرات ← **اسامی و مشخصات آن‌ها**

3- و در کتاب، ← **نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ**

4- و در تصویر و پرده نقاشی ← **خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد)**

5- و در مصنوعات، ← ساخت و مدل

6- و در مورد فرش ← بافت و رنگ

7- و در مورد سهام و اوراق بهادار ← نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن

- و بطور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیتی که

- معرف کامل مال باشد نوشته می شود

1- تراشیدن

2- و پاک کردن

3- و الحاق

4- و نوشتن بین سطرها

در صورت اموال ممنوع است

- و اگر سهو و اشتباهی رخ داده باشد

- دادورز (مامور اجرا): در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضاء حاضران می رساند.

هرگاه اشخاص ثالث:

- نسبت باموالیکه توقیف می شود ← اظهار حقی نمایند

- دادورز (مامور اجرا):

الف: مشخصات اظهارکننده

ب: و خلاصه اظهارات او را قید می کند

هرگاه :

- 1- محکوم له
- 2- و محکوم علیه
- 3- یا نماینده قانونی آنها



- حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری
- نمایند دادورز (مامور اجرا) ایراد و اظهار آنان را
- با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می کند.

طرفین اگر حاضر باشند :

- ظرف یک هفته ← از تاریخ تنظیم صورت

- حق شکایت خواهند داشت

والا (اگر حاضر نباشند) :

- صورت اموال از طرف قسمت اجرا

- به طرف غایب ابلاغ می شود

- و طرف غایب حق دارد

- ظرف یک هفته ← از تاریخ ابلاغ شکایت نماید.



در صورت اموال باید:

1- تاریخ و ساعت : ← شروع و ختم عمل نوشته شود

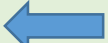
2- و بامضاء ← دادورز (مامور اجرا) و حاضران برسد

3- هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها:

- از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند

- مراتب در صورت قید می شود.

دادورز (مامور اجرا) :

- به تقاضای  محکوم له یا محکوم علیه

- رونوشت گواهی شده :

- از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول

ارزیابی اموال منقول:

قدم اول:

الف- حین توقیف به عمل می آید

ب- و در صورت اموال درج می شود

قدم دوم:

- قیمت اموال را  محکوم له و محکوم علیه

- به تراضی تعیین می نمایند

قدم سوم:

- و هرگاه طرفین :

1- حین توقیف حاضر نباشند

0- ارزیاب معین می شود

2- یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی ننمایند

اولا:

ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود.

دوما:

- 1- در صورت عدم تراضی
- 2- یا عدم حضور محکوم علیه



- دادورز (مامور اجرا) :

از بین کارشناسان رسمی

- و در صورت نبودن کارشناس رسمی :

- از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می‌کند

سوما:

- و هرگاه در حین توقیف  به ارزیاب دسترسی نباشد

- قیمتی که محکوم له تعیین کرده

- برای توقیف مال  ملاک عمل قرار خواهد بود.

- در این صورت دادورز (مامور اجرا) به قید فوریت

- نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد.

الف:

- قسمت اجرا:

- ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌نماید.

ب:

هر یک از طرفین می‌تواند:

- ظرف سه روز  از تاریخ ابلاغ ارزیابی

- به نظریه ارزیاب اعتراض نماید،

ج:

- این اعتراض در دادگاهی که:

- **حکم به وسیله آن اجرا می شود،**

- مورد رسیدگی قرار می گیرد

د:

- و در صورت ضرورت :

- با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می شود،

- تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است.

اولا:

تعیین حق الزحمه ارزیاب برعهده کیست؟

با در نظر گرفتن کیفیت و کمیت کار بر عهده  **دادروزر**

دوما:

چه کسی مسئول پرداخت حق الزحمه ارزیاب است؟

محکوم علیه

سوما:

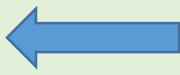
- هرگاه نسبت به میزان حق الزحمه  **اعتراضی باشد**

- **دادگاه** در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد.

چهارم:

- هرگاه محکوم علیه :

- از پرداخت حق الزحمه ارزیاب  امتناع نماید

- محکوم له می تواند  آن راپردازد.

پنجم:

- در این صورت دادورز (مامور اجرا) وجه مزبور را :

- ضمن اجرای حکم

- از محکوم علیه وصول  و به محکوم له خواهد داد.

ششم:

- پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض است

- و اگر ظرف سه روز  از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد

- به اعتراض او به ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده

اموال توقیف شده :

- در همان جا که هست حفظ می شود

- مگر اینکه نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

اموال توقیف شده :

*- برای حفاظت ← **بشخص مسئولی** سپرده می شود.

*- حافظ ← **با توافق طرفین** تعیین می گردد

- دادورز (مامور اجرا) : **شخص قابل اعتمادی** را معین می کند.

- 1- و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند
2- و یا در انتخاب حافظ تراضی ننمایند

- اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در صورت اقتضا:

- **در یکی از بانکها** به امانت گذاشته می شود

اموال توقیف شده **بدون تراضی کتبی طرفین** باشخاص ذیل سپرده نمی شود:

1-

- اقربای سببی و نسبی دادورز (مامور اجرا) ← **تا درجه سوم.**

2-

الف- محکوم له

ب- و محکوم علیه

ج- و همسر آنان

د- و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی ← **تا درجه سوم دارند.**

— به شخصی که مسئولیت حفظ را به عهده گرفته
— تحویل و رسید اخذ می گردد



- 1- اموال توقیف شده
- 2- و رونوشت صورت اموال

شخص حافظ می تواند :

— اجرت بخواهد

— و هرگاه در میزان اجرت تراضی نشود

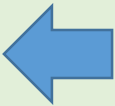
— مدیر اجراء با توجه به:

- 1- کمیت و کیفیت مال
- 2- و مدت حفاظت



— میزان آن را تعیین می نماید

اجرت حافظ را :

— اگر محکوم علیه تأدیه نکند  محکوم له می پردازد

— و از حاصل فروش  اشیاء توقیف شده استیفاء می نماید. (محکوم له)

— در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ

— و عدم تأدیه آن :

— مدیر اجرا به  محکوم له اخطار می کند

— که ظرف **ده روز**  از تاریخ ابلاغ اخطار

— اجرت حافظ را بپردازد.

حافظ نسبت به اموال توقیف شده ← **امین است**

- و حق ندارد اموال توقیف شده را :

1-مورد استفاده قرار داده

2-یا به کسی بدهد

-و به طور کلی هرگاه حافظ مرتکب **تعدی یا تفریط** گردد :

الف-مسئول پرداخت خسارت وارده بوده

ب-و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت

هرگاه اموال توقیف شده **منافعی داشته باشد** ← حافظ باید حساب آن را بدهد.

در صورتی که حافظ:

- از تسلیم اموال توقیف شده ← **امتناع کند**

-از **تاریخ امتناع** ← **ضامن محسوب است**

-و دادورز (مامور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را

-از اموال حافظ استیفاء می نماید.

هرگاه حافظ:

1-نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند

2-و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید

- دادورز (مامور اجرا) **پس از تصویب دادگاه**

- **حافظ دیگری** معین خواهد کرد.

مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم علیه که نزد شخص ثالث است

هرگاه مال متعلق به محکوم علیه:

-الف: نزد شخص ثالث ← اعم از حقوقی یا حقیقی باشد

-ب: یا مورد درخواست توقیف،:

-طلبی باشد ← که محکوم علیه از شخص ثالث دارد

-اخطاری در باب:

به پیوست رونوشت اجراییه
به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می شود
و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می گردد

- 1- توقیف مال
2- یا (توقیف) طلب
3- و میزان آن

شخص ثالث:

- پس از ابلاغ اخطار توقیف

-نباید ← مال یا طلب توقیف شده را

-به محکوم علیه بدهد

-و مکلف است ← طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید،

-در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکوم له خواهد بود.

هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده :

شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را
به دادورز (مامور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد
این رسید به منزله سند تأدیه وجه یا دین
یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه
خواهد بود.

- 
- 1- عین معین
 - 2- یا وجه نقد
 - 3- یا طلب حال باشد

در موردی که شخص ثالث :

الف- دین خود را :

1- باقسط

2- یا اجور

ب- و عوائدی را :

- بتدریج به محکوم علیه می پردازد

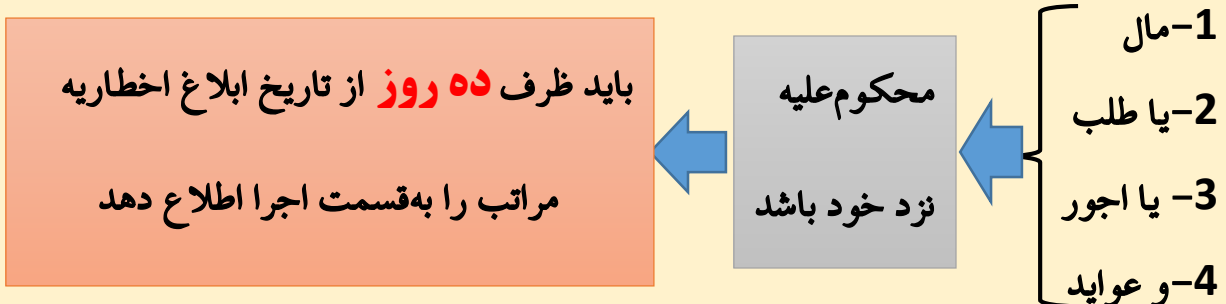
- و محکوم له ← تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید

- دادورز (مامور اجرا) به شخص ثالث اخطار می کند

- که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید

هرگاه شخص ثالث :

- منکر وجود **تمام یا قسمتی** از :



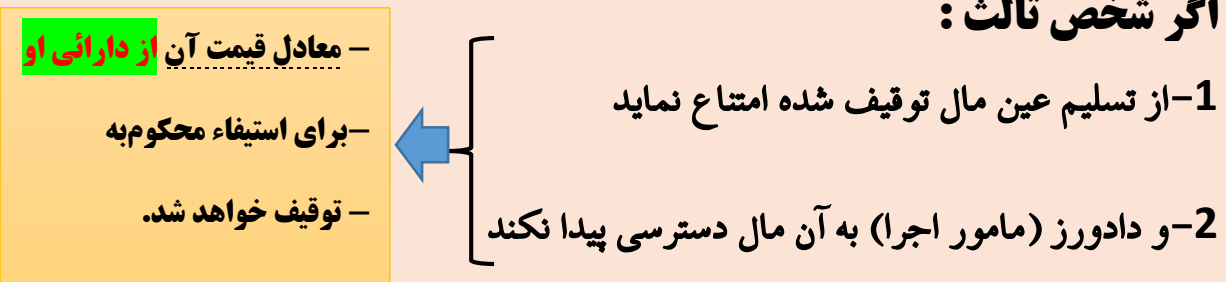
هرگاه شخص ثالث :

- 1- به تکلیف مقرر در این ماده عمل نکند
- 2- و یا برخلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عوائد محکوم علیه نزد خود گردد
- 3- و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد
- و موجب خسارت شود



- محکوم له می تواند **برای جبران خسارت به** دادگاه صلاحیت دار مراجعه نماید.

اگر شخص ثالث :



- در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که :

- مال قبل از مطالبه قسمت اجرا

- بدون تعدی و تفریط او از بین رفته

- می تواند به دادگاه دادخواست دهد

- دادگاه در صورتی که دلائل او را **موجه تشخیص دهد**

- **قراری در باب** ← **توقیف عملیات اجرایی**

- تا تعیین تکلیف نهائی صادر می کند.

هرگاه شخص ثالث از تأدیه :

- به میزان وجه مزبور
از دارائی او توقیف خواهد شد

که نزد او توقیف شده امتناع نماید

1- وجه نقد

2- یا طلب حال

شخص ثالثی که:

- مال محکوم علیه نزد او **توقیف شده**

- می تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد

- به قسمت اجرا تسلیم کند

- و قسمت اجرا **باید** آن را قبول نماید.

مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین

از حقوق و مزایای کارکنان:

1- سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت

2- و شرکت‌های دولتی

3- و شهرداری‌ها

4- و بانک‌ها

5- و شرکت‌ها

6- و بنگاه‌های خصوصی و نظائر آن

در صورتی که داری زن یا فرزند باشند:

ربع (توقیف میشود)

در صورتی که داری زن یا فرزند نباشند:

ثالث توقیف می‌شود

تبصره ۱ -

- توقیف و کسر **یک چهارم**

- **مقوق** بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است

- مشروط بر اینکه :

- دین مربوط به شخص ← بازنشسته یا وظیفه‌گیر باشد.

تبصره ۲ -

1- حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند

2- و مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره)

3- و (مستمری مددجویان) سازمان بهزیستی

توقیف **نمی‌شود**.

در مورد ماده فوق **مدیر اجرا**:

- مراتب را به **سازمان مربوط** ابلاغ می نماید

- و رئیس یا مدیر سازمان مکلف است

- از حقوق و مزایای **محکوم علیه** کسر نموده

- و به قسمت اجرا بفرستد.

توقیف حقوق و مزایای استخدامی :

- مانع از این نیست :

- که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود

- برای استیفای محکوم به  **توقیف گردد**

- ولی اگر مال معرفی شده :

- برای استیفای محکوم به  **کافی باشد**

- توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم علیه  **موقوف می شود.**

مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول

قسمت اجرا توقیف مال **غیر منقول** را :

الف: به طرفین (اعلام میکند)

ب: **و اداره ثبت محل** اعلام می کند



- 1- با ذکر شماره پلاک
- 2- و مشخصات ملک

اداره ثبت پس از اعلام توقیف:

در صورتی که ملک بنام محکوم علیه ثبت شده باشد	و اگر ملک در جریان ثبت باشد	- و اگر ملک به نام محکوم علیه نباشد
- مراتب را در دفتر املاک قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می دهد	1- در دفتر ملک بازداشتی 2- و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می دهد	- فوراً: به قسمت اجرا اعلام می دارد.

توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد:

- به عنوان مال محکوم علیه وقتی جائز است که:

- 1- محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد.
- 2- و یا محکوم علیه به موجب حکم نهائی مالک شناخته شده باشد .

- در موردی که حکم بر مالکیت  ممکوه علیه صادر شده

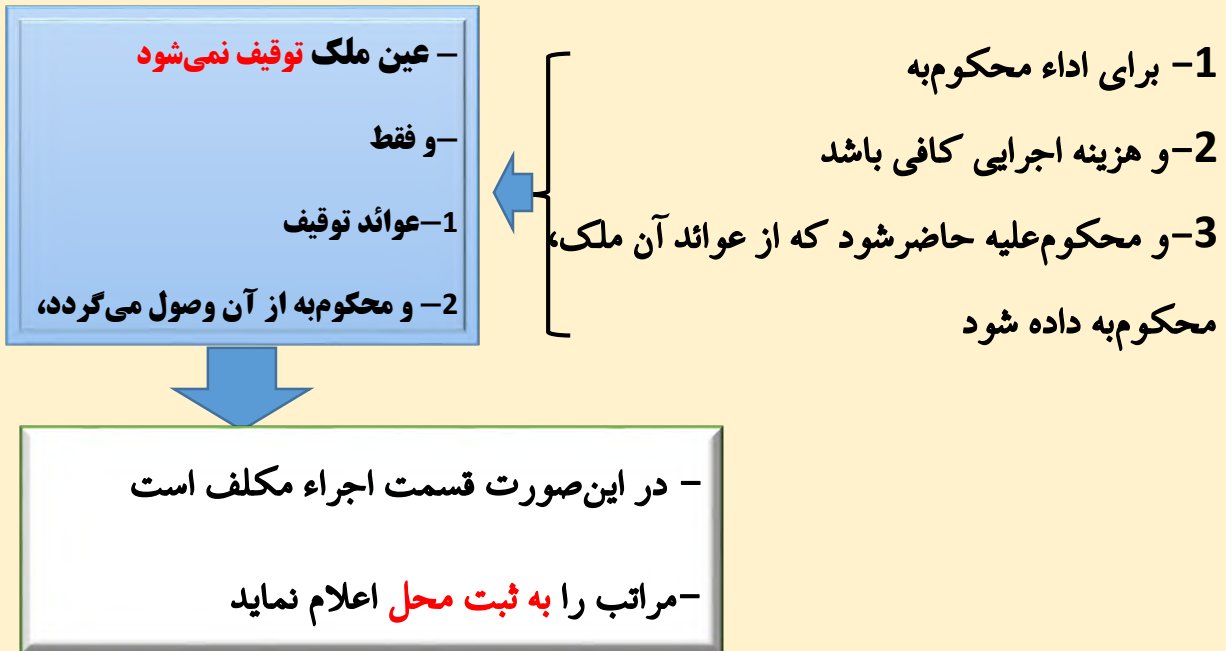
- ولی به مرحله نهائی  نرسیده باشد

- توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکوم علیه  **جائز است**

- ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به :

صدور حکم نهائی است.

در صورتی که عوائد یکساله مال غیر منقول **بتشخیص دادگاه:**



توقیف مال غیر منقول موجب ← **توقیف منافع آن** نمی گردد

توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات
- مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی به عمل می آید

مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول

دادورز (مامور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول :

- 1- صورت اموال را تنظیم
- 2- و نسخه ای از آن را به محکوم علیه ابلاغ می نماید
- تا اگر شکایتی داشته باشد ← **ظرف یک هفته**
- کتباً به قسمت اجراء تسلیم دارد.

-مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی

-و در صورتی که شکایت وارد باشد

- صورت مشخصات مال توقیف شده را

-اصلاح یا تجدید می نماید.

مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود:

۱

-تاریخ و مفاد ← **ورقه اجراییه.**

۲

- **محل** که مال غیر منقول در آنجا واقع است.

۳

الف- وصف مال غیر منقول

ب- با ذکر مشخصات ملک و مالک

ج- و اینکه ملک مشاع است یا مفروز

د- و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا نه

و- و اگر حقی دارند چه نوع حقی است

ن- و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر؟

۴

- حدود ملک و مجاورین آن

در صورتی که مساحت ملک معین نباشد



- دادورز (مامور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید می کند.

محکوم علیه حین تنظیم صورت باید :

1- اسناد راجع بملک

به دادورز (مامور اجرا) ارائه دهد



2- یا (اسناد راجع به) مال غیر منقول را

هرگاه راجع به:

- تمام یا قسمتی از ملک توقیف شده

- دعوائی در جریان باشد

- مراتب در صورت قید و تصریح می شود که

- دعوی در چه مرجعی مورد رسیدگی است.

مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول

ارزیابی اموال غیر منقول به ترتیب مقرر در:

- مواد ۷۳ تا ۷۶ این قانون به عمل خواهد آمد. (همان ارزیابی اموال منقول)

مال غیر منقول بعد از:

1- تنظیم صورت

2- و ارزیابی

-حسب مورد **موقتاً** ← **به مالک یا متصرف ملک** تحویل می شود

-و مشارالیه مکلف است :

-ملک را همانطوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد

در صورتی که عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود	و در صورت عدم تراضی: (برانتخاب امین برای سپردن عوائد)	ولی اگر عوائد وجه نقد باشد
به امینی که طرفین معین کرده اند سپرده می شود	به شخص امینی که دادورز (مامور اجرا) معین می کند سپرده خواهد شد	به قسمت اجرا تسلیم می گردد.

فصل سوم - فروش اموال توقیف شده

مبحث اول - فروش اموال منقول

بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن :

1- در صورتی که نسبت بمحل و موعد فروش

-بین محکوم له و محکوم علیه **تراضی شده باشد**

- بهمان به ترتیب رفتار می شود

2- و هرگاه بین طرفین تراضی نشده باشد

-دادورز (مامور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام می کند.

فروش اموال از **طریق مزایده** به عمل می آید .

اگر از طرف دولت یا شهرداری :

الف:

- محلی برای فروش اموال منقول معین شده باشد :

* فروش در آن محل به عمل می آید

ب:

- و اگر محلهائی که معین شده است متعدد باشد:

- فروش در محل به عمل می آید که

- برای منافع محکوم علیه ترجیح داده باشد

- و تشخیص این امر ← **با مدیر اجرا است.**

ج:

- هرگاه از طرف دولت یا شهرداری

- محلی برای فروش معین نشده باشد

- محل فروش را ← **مدیر اجراء معین می کند.**

در مواردی که :

- حمل اموال منقول به محل دیگری ← **مخارج زیاد داشته باشد**

- اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ می شده به فروش می رسد.

موعد فروش را:

- **مدیر اجرا**

- نظر به: کمیت و کیفیت اموال توقیف شده

- معین و آگهی می نماید.

آگهی فروش باید :

- در یکی از ← **روزنامه‌های محلی**

- **یک نوبت** ← منتشر شود .

موعد فروش باید طوری معین شود که :

- فاصله بین: انتشار آگهی و روز فروش:

- بیش از ← **یکماه**

- و کمتر از ← **ده** روز نباشد.

آگهی به جای انتشار روزنامه

- به تعداد کافی در معابر الصاق

و تاریخ الصاق در صورت مجلس قید می شود

1- در نقاطی که **روزنامه نباشد**

2- همچنین در مورد اموالی که قیمت آنها

بیش از دویست هزار ریال نباشد

می توانند علاوه بر آگهی که به توسط قسمت اجرا به عمل
می آید آگهی دیگری به **خرج خود** منتشر نمایند

محکوم له

یا

محکوم علیه

در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح می شود:

۱ - **نوع و مشخصات** ← اموال توقیف شده.

۲ - **روز و ساعت و محل** ← فروش.

۳ - **قیمتی که مزایده از آن** ← شروع می شود.

آگهی باید:

1- علاوه بر انتشار

2- در قسمت اجرا

3- و محل فروش هم

الصاق شود

در صورتی که:

- تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند

- مجدداً آگهی خواهد شد.

فروش با حضور:

1- دادورز (مامور اجرا)

2- و نماینده دادسرا به عمل می آید

* و صورت مجلس فروش به امضاء آنها می رسد

هرکس می تواند:

- در مدت پنج روز قبل از روزی که

- برای فروش معین شده است

- اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

محکوم له می تواند :

- مثل سایرین در خرید شرکت نماید

- **ولی :**

1- ارزیابان

2- و دادورزها (مامورین اجرا)

3- و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند

4- همچنین اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم

نمی توانند در خرید
شرکت کنند.

مزایده از قیمتی که به ترتیب مقرر در:

- مواد ۷۳ تا ۷۵ معین شده شروع می شود

* - و مال متعلق به کسی است که

- **بالاترین قیمت را قبول کرده است .**

دادورز (مامور اجرا) می تواند :

- **پرداخت بهای اموال را** ← **به وعده قرار دهد.**

- در این صورت برنده مزایده باید :

- **ده درصد بها را** ← **فی المجلس**

- به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید .

- حداکثر مهلت مزبور ← **از یکماه تجاوز نخواهد کرد**

- سپرده او پس از کسر هزینه مزایده

- بنفع دولت ضبط و مزایده

- و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر

- بقیه بهای اموال را نپردازد

صاحب مال می‌تواند

تقاضا کند که :



1- بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند

2- و یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را

- نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید

هرگاه مالی که مزایده از آن شروع می‌شود **خریدار نداشته باشد:**

قدم اول:

1- محکوم له می‌تواند ← مال دیگری از محکوم علیه معرفی

- و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید

قدم دوم:

2- یا معادل طلب خود ← از اموال مورد مزایده

- بقیمتی که ارزیابی شده قبول کند

قدم سوم:

3- یا تقاضای تجدید ← مزایده مال توقیف شده را بنماید



* حالا اگر محکوم له طبق بند 3 تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را کند:

- مال مورد مزایده

- به هر میزانی که خریدار پیدا کند ← به فروش خواهد رفت

- و هزینه آگهی مجدد به ← عهده محکوم‌له می‌باشد.

- و هرگاه طلبکاران متعدد باشند :

- رای اکثریت آن‌ها ← از حیث مبلغ طلب

- برای تجدید آگهی مزایده مناط اعتبار است .

آن مال به محکوم‌علیه
مسترد خواهد شد

- 1- هرگاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد
- 2- و محکوم‌له نیز مال مورد مزایده را
- به قیمتی که ارزیابی شده قبول نماید

در صورت مجلس نوشته شده
و بامضاء خریدار می‌رسد

- 1- تاریخ فروش
- 2- و خصوصیات مال مورد فروش
- 3- و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده
- 4- و اسم و مشخصات خریدار

تسلیم مال فقط :

- بعد از پرداخت تمام بهای آن ← صورت خواهد گرفت.

اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده :

- برای پرداخت :

کافی باشد

- 1- محکوم‌به
- 2- و هزینه‌های اجرایی

- بقیه اموال ← فروخته نمی‌شود و به صاحب آن مسترد می‌گردد .

در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می‌شود:

۱

- الف- هرگاه فروش در غیر ← روز و ساعت معین
- ب- یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

۲

- الف: هرگاه کسی را ← بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند
- ب: و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است ← رد نماید.

۳

- در صورتی که مزایده ← بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴

- در صورتی که خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد

* شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور:

- ظرف یک هفته ← از تاریخ فروش به دادگاه داده می‌شود

الف- و قبل از انقضای مهلت مذکور

مال بخیردار

تسلیم نخواهد شد.

ب- یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت)

مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول

به ترتیب فروش اموال غیر منقول :

- با استثنای مواردی که در این بحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است.

در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود:

۱

- نام و نام خانوادگی  صاحب ملک.

۲

الف- محل وقوع ملک

ب- و توصیف اجمالی آن

ج- و تعیین اینکه ملک محل سکونت

د- یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است.

۳

- تعیین اینکه  ملک ثبت شده است یا نه.

۴

- تعیین اینکه  ملک در اجاره است یا نه

- و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

۵

-تصریح به اینکه  **ملک مشاع است یا مفروز**

- و چه مقدار از آن فروخته می شود.

۶

-تعیین حقوقی که اشخاص

- نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند.

۷

- قیمتی که مزایده از آن شروع می شود.

۸

-ساعت و روز و محل مزایده.

آگهی فروش به ترتیب مقرر در مبحث قبل منتشر خواهد شد.

آگهی مزبور در محل ملک نیز **الصاق می گردد**.

هر گاه ملک مشاع باشد:

* - **فقط سهم محکوم علیه** بفروش می رسد

- مگر این که  سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند

- در این صورت  طلب محکوم له و هزینه های اجرایی

- **از حصه محکوم علیه** پرداخت می شود .

پس از انجام مزایده :



- صورت مجلس تنظیم و در آن :



1- نام و نام خانوادگی مالک

2- نام و نام خانوادگی خریدار

3- و خصوصیات ملک

4- و قیمتی که به فروش رسیده



نوشته می شود

- و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که



- قسمت اجرای آن دادگاه

- اقدام به فروش کرده است

- تسلیم می گردد

شکایت راجع به :



1- تنظیم صورت ملک

2- و ارزیابی آن (ملک)

3- و تخلف از مقررات مزایده

4- و سایر اقدامات دادرز (مامور اجرا)



طرف یک هفته از تاریخ وقوع

- به دادگاهی که دادرز (مامور اجرا)

- در آنجا ماموریت دارد داده می شود



دادگاه در وقت فوق العاده

به موضوع شکایت رسیدگی

و در صورتی که شکایت را وارد و مؤثر دانست



اقدامی را که برخلاف مقررات شده است ابطال

و دستور مقتضی صادر خواهد نمود.

- قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت

- اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمی شود

دادگاه در صورت احراز:

- دستور صدور سند انتقال را
- به نام خریدار می‌دهد و این دستور قطعی است

صحت جریان مزایده

در مواردی که :

مالک ظرف **دو ماه** از تاریخ انجام مزایده

می‌تواند کلیه :

- بدهی
- و خسارات
- و هزینه‌های اجرایی را پرداخته
- و مانع انتقال ملک به محکوم‌له شود.

الف: ملک خریدار نداشته

ب: و محکوم‌له آن را در مقابل

- طلب خود قبول نماید

دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور (**دو ماه** از تاریخ انجام مزایده)

- دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را
- که معادل طلب محکوم‌له باشد خواهد داد

هرگاه **مالک** :

- حاضر به امضاء **سند انتقال** به نام خریدار نشود

- نماینده دادگاه

- سند انتقال را در **دفترخانه اسناد رسمی** بنام خریدار امضاء می‌نماید.

فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث

هرگاه نسبت به :

شخص ثالث اظهار حقی نماید

- اگر ادعای مزبور مستند به

1- حکم قطعی

2- یا سند رسمی باشد

* که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است.

توقیف شده

1- مال منقول

2- یا غیر منقول

3- یا وجه نقد

توقیف رفع می شود

در غیر این صورت

- عملیات اجرایی تعقیب می گردد

و مدعی حق برای:

1- جلوگیری از عملیات اجرایی

2- و اثبات ادعای خود می تواند

- به دادگاه شکایت کند

گام اول:

- شکایت شخص ثالث در تمام مراحل :

1- بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی

2- و بدون پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود.

گام دوم:

- مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می شود

- و دادگاه به دلائل:

1- شفعص ثالث

2- و طرفین دعوی

- به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می کند

گام سوم:

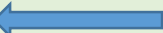
- و در صورتی که دلائل شکایت را قوی یافت

- قرار توقیف عملیات اجرایی را

- تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می نماید.

گام چهارم:

- در این صورت اگر مال مورد اعتراض  **منقول باشد**

- دادگاه می تواند  **با اخذ تأمین مقتضی**

- دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد.

* به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده

- نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد .

تبصره -

- **محکوم له می تواند** ← مال دیگری را از اموال محکوم علیه

- **به جای مال مورد اعتراض** معرفی نماید.

- در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می شود

- و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می گردد

فصل ششم - حق تقدم

در هر مورد که **اجراییه های متعدد به قسمت اجراء (سیده باشد،**

دادورز (مامور اجرا) باید حق تقدم هر یک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید

۱

- **اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه:**

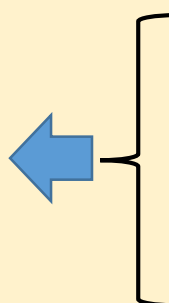
- نزد محکوم له :

الف: رهن

ب: یا وثیقه

ج: یا مورد معامله شرطی و امثال آن

د: یا در توقیف تأمین یا اجرایی باشد



محکوم له نسبت به مال مزبور

- به میزان محکوم به

- بر سایر محکوم لهم

- حق تقدم خواهد داشت.

۲ -

الف: خدمه خانه

ب: و کارگر

ج: و مستخدم محل کار

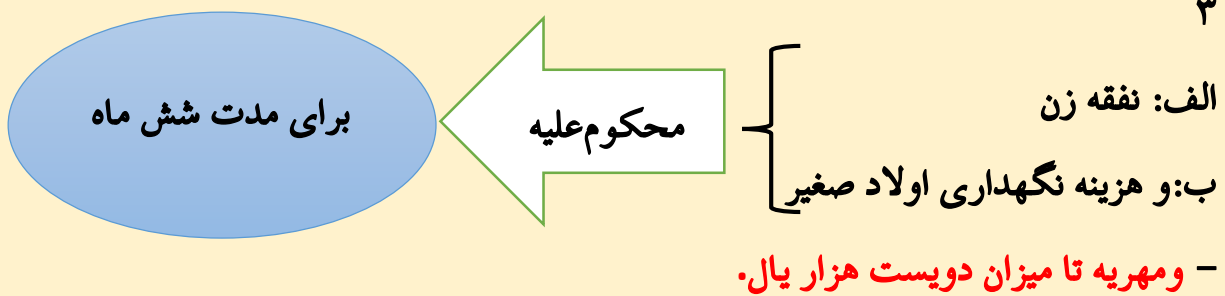


نسبت به :

1- حقوق

2- و دستمزد شش ماه خود.

۳



۴

- بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم
- نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

پس از اینکه بستانکاران :

- به ترتیب هر طبقه **طلب خود را**
- از اموال محکوم علیه وصول نمودند:
- اگر چیزی زائد از طلب آنها بقیه بماند
- به طبقه بعدی داده می شود

- و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم

- اگر بستانکاران متعدد باشند:

- مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می گردد.

فصل هفتم - تأدیه طلب

وجوهی که :

از محکوم علیه وصول می شود

1- در نتیجه فروش مال توقیف شده

2- یا به طریق دیگر

به میزان:

- به محکوم له داده خواهد شد

الف: محکوم به

ب: و هزینه های اجرایی

- و اگر زائد باشد بقیه به محکوم علیه مسترد می شود.

در صورتی که وجوه حاصل کمتر از:

* برای وصول بقیه طلب او

- از سایر اموال محکوم علیه

توقیف می شود.

به درخواست محکوم له

1- میزان محکوم به

2- و هزینه های اجرایی باشد

در مقابل وجهی که به محکوم له داده می شود

- دو نسخه (سلید افذ می گردد):

الف- یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم

ب- و نسخه دیگر در پرونده اجرایی بایگانی می گردد

در موردی که محکوم له :

- از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی
- به کسی که آن را پرداخته است داده می‌شود
- و بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ
- اجراییه صادر و درخواست استیفاء طلب
- فود را نموده‌اند
- به نسبت طلبی که دارند
- با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم می‌شود

1- بیش از یک نفر باشد

2- و دارائی دیگری برای محکوم علیه

- غیر از مال توقیف شده معلوم نشود

3- و هیچ‌یک از طلبکاران بر دیگری

- حق تقدم نداشته باشند

تقسیم‌نامه را دادورز (مامور اجرا):

- تنظیم و به طلبکاران اخطار می‌نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند.

هر یک از طلبکاران :

- که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد

- می‌تواند ظرف یک هفته

- از تاریخ اخطار دادورز (مامور اجرا) راجع به ترتیب تقسیم

- به دادگاه مراجعه کند.

- دادگاه در جلسه اداری بشکایت رسیدگی

- و تصمیم قطعی اتخاذ می‌نماید

- در این صورت تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می‌آید.

در صورتی که به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد
- مقدار زائد بنحویکه در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می شود.

خسارت تأخیر تأدیه :

- در صورتی که حکم دادگاه ← تا تاریخ وصول مقرر شده باشد

- تا زمان تنظیم تقسیم نامه

- جزء طلب محکوم له محسوب خواهد شد.

فصل هشتم - هزینه های اجرایی

هزینه های اجرایی عبارت است از:

۱

- الف: پنج درصد مبلغ محکوم به ← بابت حق اجرای حکم

- که بعد از اجراء وصول می شود.

- ب: در دعاوی مالی که ← خواسته وجه نقد نیست :

- حق اجراء:

- به مأخذ بهای خواسته

- که در دادخواست تعیین و

- مورد حکم قرار گرفته مساب می شود

- مگر اینکه دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین نموده باشد

- هزینه‌هایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند:
- حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظائر آن.

در تخلیه مورد اجاره غیر منقول:

- صدی ده اجاره بهای ← سه ماه
- و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست :
- *- از هزار ریال تا پنج هزار ریال
- به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت می‌شود.

پرداخت حق اجراء:

- پس از انقضای ده روز ← از تاریخ ابلاغ اجرائیه
- بر عهده ← محکوم علیه است

- ولی در صورتی که:

- نصف حق اجراء

- دریافت خواهد شد.

- 1- طرفین سازش کنند
- 2- یا بین خود به‌ترتیبی برای اجرای حکم بدهند

- *- و در صورتی که محکوم به بیست هزار ریال یا کمتر باشد
- حق اجراء تعلق نخواهد گرفت

اگر محکوم به وجه نقد باشد :

- حق اجراء هم ضمن آن وصول می گردد

- و هرگاه **محکوم له** بعد از شروع اقدامات اجرایی :

- حق مزبور از اموال محکوم علیه

- طبق مقررات اجرای احکام

- وصول می گردد.

1- رأساً محکوم به را وصول نموده باشد

2- و محکوم علیه حاضر بپرداخت حق اجراء نشود

- در این صورت هزینه هایی که برای

- توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد

- از صندوق دادگستری پرداخت شده

- و پس از وصول آن به صندوق مسترد می گردد.

دادورز (مامور اجرا) باید:

- * **حق اجراء را** بلافاصله پس از وصول

- در قبال اخذ دو نسخه رسید

- به صندوق دادگستری پرداخت کند

- و یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم

- و نسخه دیگری را پیوست پرونده اجرایی نماید.

دادورز (مامور اجرا) باید :

- جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز

- به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید.

اجرای موقت حکم ← **حق اجراء ندارد**

- ولی اگر اجرای موقت :

- حق اجراء وصول می گردد

- به اجرای قطعی حکم منتهی شود

راجع به احکامی که :

- قبل از فائمه رسیدگی فرجامی

- نسبت به آنها اجراییه صادر گردیده



- حق اجراء پس از وصول :

- در صندوق دادگستری می ماند

- تا در صورت نقض حکم

- به محکوم علیه مسترد گردد

پنجاه درصد از حق اجراء طبق آئین نامه وزارت دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسائل لازم برای تسریع اجرای احکام و پاداش متصدیان اجراء می رسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور می گردد .

مقررات این قانون شامل:

- اجراییه‌هائی نیز خواهد بود که
- قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجراء می‌باشند
- لیکن آن مقدار از اقدامات اجرایی که مطابق قانون سابق به عمل آمده **معتبر است.**

هرگاه از تاریخ صدور اجراییه:

- اجراییه بلااثر تلقی می‌شود
- و در این مورد اگر حق اجراء
- وصول نشده باشد
- دیگر قابل وصول نخواهد

1- **بیش از پنج سال گذشته**

2- و محکوم‌له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد

***محکوم‌له می‌تواند مجدداً:**

- از دادگاه تقاضای صدور **اجراییه نماید**

- ولی درمورد اجرای هر حکم

- فقط یک بار حق اجراء دریافت می‌شود.

فصل نهم - احکام و اسناد لازم الاجراء کشورهای خارجی

احکام مدنی **صادر از دادگاه‌های خارجی** در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون به ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

۱

— حکم از کشوری صادر شده باشد که:

الف: به موجب قوانین خود یا عهد یا قراردادها

— احکام صادر از دادگاه‌های ایران

— در آن کشور **قابل اجراء باشد**

ب: یادر مورد اجرای احکام ← معامله متقابل نماید.

۲

— مفاد حکم مخالف با:

— قوانین مربوط به ← **نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.**

۳

— اجرای حکم مخالف با:

الف: عهد بین‌المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده

ب: یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

۴

- حکم در کشوری که صادر شده:

الف: قطعی

ب: و لازم الاجراء بوده

ج: و بعلت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۵

- از دادگاه‌های ایران:

- حکمی مخالف  دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

۶

- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران

- اختصاص به دادگاه‌های ایران نداشته باشد.

۷

- حکم راجع به  اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸

- دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد

مرجع تقاضای اجرای حکم:

محکوم علیه است

- الف- دادگاه شهرستان محل اقامت
ب- یا (دادگاه شهرستان) محل سکونت

* و اگر محل اقامت یا محل سکونت

- محکوم علیه در ایران معلوم نباشد:

* - **دادگاه شهرستان تهران است .**

در صورتی که :

- در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران

- و کشور صادر کننده حکم :

- به ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد

- همان به ترتیب و شرائط متبع خواهد بود.

اجرای حکم :

- **باید کتباً تقاضا شود**

1- نام محکوم له

2- و نام محکوم علیه

3- و مشخصات دیگر آنها قید گردد

- و در تقاضا نامه مزبور

بتقاضانامه اجرای حکم باید مدارك زیر پیوست شود:

۱

نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی:

الف- که صحت مطابقت آن با اصل

- به وسیله مامور سیاسی یا کنسولی

- کشور صادرکننده حکم گواهی شده باشد

ب- با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی.

۲

- رونوشت دستور اجرای حکمی که

- از طرف مرجع صلاحیت‌دار مربوط صادر شده

- با ترجمه گواهی شده آن.

۳

الف: گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران

- در کشوری که حکم از آنجا صادر شده

ب- یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم در ایران

- راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت‌دار.

- گواهی امضاء

- نماینده سیاسی یا کنسولی
- کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه .

مدیر دفتر دادگاه:

- عین تقاضا و پیوست‌های آن را  به دادگاه می‌فرستد
- و دادگاه  در جلسه اداری فوق‌العاده
- با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن :
- 1- قرار قبول تقاضا
- 2- و لازم‌الاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجراء می‌دهد
- 3- و یا با ذکر علل و جهات **رد تقاضا** را اعلام می‌نماید

قرار رد تقاضا باید :

- 1- به متقاضی ابلاغ شود
- 2- و نام‌برده می‌تواند **ظرف ده روز** از آن پژوهش بخواند.

دادگاه مرجع پژوهش :

- در **جلسه اداری فوق‌العاده** بموضوع رسیدگی
- و در صورت وارد بودن شکایت
- با فسخ رأی پژوهش خواسته :

- امر به اجرای حکم صادر می نماید
- و در غیر این صورت آن را تأیید می کند.
- رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.

اسناد تنظیم شده لازم الاجراء در کشورهای خارجی:

- 1- به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء می باشد
- 2- و به علاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران
- در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد
- باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید.

احکام و اسناد خارجی :

- طبق مقررات اجرای احکام مدنی
- به مرحله اجراء گذارده می شود.

الف- ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از

1- اجرای احکام

2- و اسناد خارجی

ب- و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش می آید

ج- همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی

د- و ابطال اجراییه

- به نحوی است که

- در قوانین ایران مقرر است.

مرجع رسیدگی دادگاه های مذکور

- در ماده ۱۷۰ می باشد